

اینجانب سعیدرضا میرزامحمدی (قندهاری) متولد تربت جام به تاریخ ۱۳۴۳/۱/۱ دوران تحصیل ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در تربت جام گذراندم (جز دو سال اول راهنمایی و سوم دبیرستان که مشهد بودم). سال ۵۶ که شروع انقلاب بود ۱۳ سالگی را می‌گذراندم، در فعالیتهای انقلابی شهر مشارکت داشتم و یکبار هم توسط ساواک و شهربانی دستگیر شدم (همراه با کتک و تهدید). با پیروزی انقلاب در همه نهادهای انقلابی فعالیت داشتم. در عین حال مهم‌ترین دگرگونی‌ها و تحولات درونی را می‌گذراندم. با آغاز جنگ تحمیلی فضای جدید گشوده شد که نتوانستم تا اخذ دیپلم صبر کنم و عازم جبهه شدم و مجروح و جانباز شدم. شال ۶۱ دیپلم ریاضی فیزیک گرفتم و چون دانشگاه‌ها تعطیل بود (انقلاب فرهنگی) چندماهه را در سپاه عضویت داشتم. سال ۶۲ در رشته الهیات دانشگاه تهران پذیرفته شدم. سال ۶۶ با پایان دوره کارشناسی وارد جهادسازندگی شدم و تا آخر سال ۷۰ آنجا بودم و سپس به دلیل نیاز آموزش و پرورش و نیز علاقه شخصی به معلمی روی آوردم. سال ۷۱ در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران پذیرفته شدم و سال ۷۴ با کسب رتبه اول رشته تاریخ و تمدن اسلامی فارغ‌التحصیل شدم. سپس طی ۳-۴ سال در قم دوره‌هایی را برای کسب مجوز تدریس دروس تاریخ تحلیلی صدراسلام، تاریخ امامت، فرهنگ و تمدن اسلامی، انقلاب اسلامی، اندیشه‌های سیاسی امام خمینی(ره) و اخلاق اسلامی گذراندم و مدت ۲۵ سال در دانشگاه‌های فردوسی، علوم پزشکی، سجاد، خیام، خاوران، منتظری، فردوس، رضوی، آزاد و ... سابقه تدریس دارم. البته با فاصله زیاد از سال ۹۳ در دوره دکتری رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی ادامه تحصیل دادم. دو دوره سابقه کاندیداتوری داشتم و چون معتقد بودم هزینه‌ای بر خود و دیگران تحمیل نکنم (اگر کسی قصد خدمت واقعی دارد خودش را به آب‌آتش نمی‌زند) امکان تبلیغ پیدا نکردم. متأهل (همسر معلم بازنشسته و لیسانس زبان انگلیسی و فوق‌لیسانس علوم تربیتی است) و دارای دو فرزندم. فرزند ارشدم که پسر است در حال گذراندن پایان‌نامه دکتری فلسفه معاصر در دانشگاه علوم تحقیقات تهران و فرزند دومم که دختر است فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه علم و صنعت تهران می‌باشد. البته هر دو بیکارند. اکثر سال‌های متأهلی را مستأجر بوده‌ام و منزلی که الان ساکنم بعد از بازنشستگی میسر شد.

مهم‌ترین دیدگاه‌ها و برنامه‌ها

- الف) طبق قانون اساسی باید نماینده در حدی باشد که بتواند در همه مسائل داخلی و خارجی اظهار نظر کند.
- ب) نماینده دو کار دارد؛ ۱- تصویب قانون دقیق، ۲- نظارت بر اجرای آن. به نظر من کار اصلی و جان‌فرسا نظارت دائم است که متأسفانه مغفول مانده و باعث شده مثلاً برنامه‌ی هفتم حدوداً ۳۰٪ اجرا شود.
- ج) شنیدن دردها و رنج‌های همه اقشار مردم از نزدیک چون قانون باید برای رفع نیازهای مردم باشد.
- د) از مردم درخواست می‌کنم که بر من نظارت کنند.
- ه) شفافیت جلوی فسادها را می‌گیرد. نه فقط مسئولین طراز اول، بلکه کارمندان جزء (بخصوص در جاهایی که زمینه‌ی رشوه و فساد بیشتر فراهم است) نیز باید دارای‌های خودشان و خانواده‌شان تحت نظارت دائم باشد.
- و) در مسائل فرهنگی باید اول سراغ علت‌ها رفت و مبارزه با معلول اولویت ندارد، مثلاً اگر جوانی به راه خطا رفت در درجه اول باید کسانی که علت بودند، مجازات شوند. (مسئولین در هر جا و هر رتبه و مقام و ...)
- ز) مسئولین فرهنگی شهر باید تغییر کنند از جمله امام جمعه که توان جذب جوانان را ندارد.
- ح) مسئولین شهر باید با کمک مردم ارزیابی شوند و به‌طور مستمر پایش شوند تا خدمت‌رسانی‌شان کند نشود.
- ط) مالیات فقط باید بر مصرف باشد که عادلانه‌ترین کار است. ضمناً جلو فرار مالیاتی دلالان و مشاغل مشابه باید گرفته شود (بخصوص حوزه‌ی مسکن)
- ی) به دو گروه هرگز رأی نباید داد: ۱- کسانی که سطح شهر را با تبلیغات میلیاردی از عکس و بنر و... پر کرده‌اند.
- ۲- لیست‌ها که مردم را نادان فرض کرده‌اند و خودشان را قییم مردم می‌دانند.